

# ۴۸ قانون قدرت

رابرت گرین

سارا عباسی

www.ketab.ir



انتشارات روز معاصر

|                         |                                                                                |
|-------------------------|--------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه                 | : گرین، رابرت، ۱۹۵۹-م. -Greene, Robert, 1959-                                  |
| عنوان و نام پدیدآور     | : ۴۸ قانون قدرت / رابرت گرین ؛ [مترجم] سارا عباسی.                             |
| مشخصات نشر              | : تهران: راز معاصر، ۱۴۰۲.                                                      |
| مشخصات ظاهری            | : ۵۲۰ص.                                                                        |
| شابک                    | : 978-622-7869-64-4                                                            |
| وضعیت فهرست نویسی       | : فیبا                                                                         |
| یادداشت                 | : عنوان اصلی: The 48 Laws of Power, 1998.                                      |
| یادداشت                 | : کتاب حاضر توسط مترجمان و ناشران مختلف در سال‌های متفاوت منتشر شده است.       |
| عنوان گسترده            | : چهل‌وهشت قانون قدرت.                                                         |
| موضوع                   | : قدرت (فلسفه) (Power (Philosophy)<br>کنترل (روان‌شناسی) (Control (Psychology) |
| شناسه افزوده            | : عباسی، سارا، ۱۳۸۰-، مترجم                                                    |
| رده بندی کنگره          | : ۴۳۸BD                                                                        |
| رده بندی دیویی          | : ۳/۳۰۳                                                                        |
| شماره کتابشناسی ملی     | : ۹۳۷۲۴۴۴                                                                      |
| اطلاعات رکورد کتابشناسی | : فیبا                                                                         |

مرکز پژوهش ۰۹۳۰۲۴۳۴۵۰۷



## ۴۸ قانون قدرت

رابرت گرین

سارا عباسی

ویراستار: مریم شه‌کمان

ناشر: راز معاصر

لیتوگرافی: رایید گرافیک

چاپ: اطلس

نوبت چاپ اول ۱۴۰۲

تیراژ ۵۰۰ نسخه

شابک: ۴-۶۴-۷۸۶۹-۶۲۲-۹۷۸

## فهرست محتوا

|           |                                                                                                  |     |
|-----------|--------------------------------------------------------------------------------------------------|-----|
| قانون ۱:  | هرگز بیشتر از رئیس خود ندرخشید.....                                                              | ۱۴  |
| قانون ۲:  | هرگز به دوستان خود زیاد اعتماد نکنید و طریقه‌ی سوءاستفاده کردن از دشمنان خود را بیاموزید.....    | ۲۰  |
| قانون ۳:  | اهداف خود را پنهان کنید.....                                                                     | ۳۰  |
| قانون ۴:  | همیشه کمتر از آنچه لازم است، سخن بگویید.....                                                     | ۴۸  |
| قانون ۵:  | خیلی از مسائل به شهرت مربوط می‌شود؛ پس با زندگی‌تان از آن محافظت کنید.....                       | ۵۵  |
| قانون ۶:  | به هر قیمتی، جلب‌توجه کنید.....                                                                  | ۶۴  |
| قانون ۷:  | دیگران را وادار کنید تا کارهایتان را انجام دهند، اما اسم‌واعتبار آن فعالیت، به نام‌شما باشد..... | ۷۸  |
| قانون ۸:  | دیگران را مجبور کنید تا به‌سمت شما بیایند و حتی اگر لازم بود، از طعمه استفاده کنید.....          | ۸۴  |
| قانون ۹:  | با اعمال‌تان پیروز شوید، نه با مشاجره.....                                                       | ۹۱  |
| قانون ۱۰: | بدبختی و بدشانسی کاملاً سرایت‌پذیرند؛ پس از آن‌ها اجتناب کنید.....                               | ۱۰۰ |
| قانون ۱۱: | کاری کنید تا دیگران به شما وابسته شوند.....                                                      | ۱۰۷ |
| قانون ۱۲: | برای خلع سلاح قربانی خود، از صداقت و سخاوتی برگزیده استفاده کنید.....                            | ۱۱۵ |
| قانون ۱۳: | هنگام درخواست کمک، به‌جای قدرشناسی و سخاوتمندی مردم، نفع شخصی‌شان را در نظر بگیرید.....          | ۱۲۲ |
| قانون ۱۴: | وانمود کنید دوست شخصی هستید و همچون یک جاسوس عمل کنید.....                                       | ۱۲۹ |
| قانون ۱۵: | دشمن خود را به‌طور کامل نابود کنید.....                                                          | ۱۳۴ |
| قانون ۱۶: | برای رشد افتخار و احترام، غایب شوید.....                                                         | ۱۴۳ |
| قانون ۱۷: | دیگران را به وحشت بیندازید و فضایی پیش‌بینی‌ناپذیر را خلق کنید.....                              | ۱۵۱ |
| قانون ۱۸: | برای محافظت از خودتان نباید سنگر بسازید؛ زیرا انزوا خطرناک است.....                              | ۱۵۷ |
| قانون ۱۹: | طرف مقابل خود را بشناسید و فرد اشتباهی را دلخور نکنید.....                                       | ۱۶۵ |
| قانون ۲۰: | به هیچ‌کس متعهد نشوید.....                                                                       | ۱۷۴ |
| قانون ۲۱: | برای گیرانداختن یک احمق، باید شما نیز یک احمق به نظر بیایید.....                                 | ۱۸۷ |
| قانون ۲۲: | با استفاده از روش تسلیم، ضعف را به قدرت تبدیل کنید.....                                          | ۱۹۴ |
| قانون ۲۳: | بر نیروهایتان متمرکز شوید.....                                                                   | ۲۰۲ |
| قانون ۲۴: | نقش یک درباری کامل را بازی کنید.....                                                             | ۲۰۹ |
| قانون ۲۵: | خودت را دوباره خلق کن.....                                                                       | ۲۲۴ |
| قانون ۲۶: | دستان خود را آلوده نکنید.....                                                                    | ۲۳۴ |
| قانون ۲۷: | چنانچه نیازهای مردم را تحریک کنید، آن‌ها باورمی‌کنند که به‌سبکی خاص تعلق دارند.....              | ۲۵۳ |
| قانون ۲۸: | با جسارت عمل کنید.....                                                                           | ۲۶۹ |
| قانون ۲۹: | تا پایان مسیر نقشه بکشید و برنامه‌ریزی کنید.....                                                 | ۲۸۱ |
| قانون ۳۰: | بگوشتید تا دستاوردهایتان آسان به نظر برسند.....                                                  | ۲۹۰ |

- قانون ۳۱: گزینه‌ها را کنترل و مردم را به بازی کردن با کارت‌های خودتان وادار کنید..... ۳۰۰
- قانون ۳۲: با رؤیاهای مردم بازی کنید..... ۳۱۰
- قانون ۳۳: ضعف‌های افراد را کشف کنید..... ۳۱۹
- قانون ۳۴: به روش خود پایبند باشید و مانند یک پادشاه رفتار کنید تا دیگران نیز همین‌طور با شما برخورد کنند..... ۳۲۴
- قانون ۳۵: استاد هنر زمان‌بندی شوید..... ۳۴۴
- قانون ۳۶: از چیزهایی که نمی‌توانید آن‌ها را داشته باشید، بیزار شوید..... ۳۵۶
- قانون ۳۷: منظره‌ای متقاعدکننده خلق کنید..... ۳۶۸
- قانون ۳۸: طبق میل‌تان بیندیشید، اما مثل دیگران رفتار کنید..... ۳۷۷
- قانون ۳۹: آب‌ها را برای گرفتن ماهی، بر هم بزنید..... ۳۸۷
- قانون ۴۰: با موارد مجانی مخالفت کنید..... ۳۹۶
- قانون ۴۱: از دخالت کردن در کار بزرگان، بپرهیزید..... ۴۱۷
- قانون ۴۲: اگر به چوپان ضربه بزنید، گله پراکنده می‌شود..... ۴۳۰
- قانون ۴۳: روی ذهن و قلب دیگران کار کنید..... ۴۴۰
- قانون ۴۴: خلع سلاح و خشمگین کردن با اثر آینه‌ای..... ۴۵۰
- قانون ۴۵: نیاز به دگرگونی را پیشنهاد دهید؛ اما هرگز مسائل را به یک‌باره اصلاح نکنید..... ۴۷۰
- قانون ۴۶: هیچ‌وقت خیلی بی‌نقص به نظر نرسید..... ۴۷۹
- قانون ۴۷: از هدفی که برای خود در نظر گرفته‌اید، فراتر نروید و یاد بگیرید که چه زمانی باید متوقف شوید..... ۴۹۴
- قانون ۴۸: بی‌شکل تظاهر کنید..... ۵۰۴

## مقدمه

معمولاً احساس قدرت نداشتن در برابر رویدادها و افراد، برای ما تحمل ناپذیر است و باعث می شود احساس درماندگی و بدبختی کنیم. در واقع هیچ کس به دنبال توانایی کمتر نیست، بلکه همه بیشترین حد از آن را می خواهند. البته در دنیای امروز، نباید خودتان را خیلی تشنه ی قدرت نشان دهید و با حرکات سلطه گرایانه در جلوی دیگران ظاهر شوید؛ زیرا این کارها خیلی خطرناک اند. در عوض، ما باید منصف و نجیب به نظر برسیم؛ در نتیجه لازم است تا در عین زیرک، حيله گر و دموکراتیک بودن، فریبنده نیز باشیم.

این مسئله همچون یک بازی ریاکارانه و جنیش قدرت است که همیشه و به صورت مداوم، در دنیای طراحی شده ی دیوان های اشرافی قدیمی وجود داشت. در طول تاریخ، شخصی قدرتمند، مانند ملکه، پادشاه و رهبر، یک دیوان را تشکیل می داد. درباریان حاضر در این دیوان، در موقعیت ضعیفی قرار داشتند، به طوری که باید به اربابان خود خدمت می کردند. این در حالی بود که اگر آن ها، دوستی و لطف خود را آشکارا اظهار می کردند، دیگر درباریان اطراف آن ها متوجه می شدند و متفاوت با آن ها رفتار می کردند؛ در نتیجه اشخاص باید تلاش های خود، مبنی بر جلب توجه ارباب را کم رنگ می کردند و حتی درباریان با استعدادی که می توانستند چنین رفتاری را از خود نشان دهند، باید در مقابل دیگر درباریانی از خود محافظت می کردند که در هر لحظه به دنبال برکناری آن ها از موقعیتشان بودند.

با توجه به این که قرار بود دیوان نمایانگر اوج تمدن و پاکی باشد، به همین دلیل به حرکات آشکار سلطه و خشونت آمیز توجهی نشد. درباریان در سکوت و به صورت مخفیانه علیه زورگویان، کار می کردند. در حقیقت این یک معضل درباری و به این صورت بود که آن ها در ظاهر معیار وقار به نظر می رسیدند، اما مجبور بودند مخالفانشان را با زیرکی گول بزنند و آن ها را ناامید کنند. یک درباری موفق با گذشت زمان متوجه شد که باید تمام حرکات خود را به صورت غیر مستقیم انجام دهد؛ برای مثال، اگر می خواست از پشت به حریفش خنجر بزند، باید دستکشی مخملی به دست می کرد و لبخندی شیرین می زد. در واقع یک درباری بی نقص، باید به جای استفاده از

تهدید و آشکارا ناروژدن، از اغواگری، فریبندگی، جذابیت و چیره شدن بر استراتژی استفاده و همیشه برای حرکات آینده اش، برنامه ریزی می کرد. گفتنی است که زندگی در دیوان، مثل یک بازی بی پایان و به نوعی جنگ مدنیت بود که به هوشیاری مداوم و تفکر تاکتیکی نیاز داشت. امروزه ما پارادوکس مشابهی را در درباریان می بینیم و می دانیم که همه چیز باید متمدن، شایسته، دموکراتیک و عادلانه نمایان شود. اگر ما با قوانین دربار خیلی سخت گیرانه رفتار کنیم و آن ها را خیلی دقیق بدانیم، توسط اطرافیانمانی کوچک شمرده می شویم که احمق نیستند. همان گونه که نیکولو ماکیاوولی، دیپلمات و درباری بزرگ، نوشت: «هرکسی که به صورت تمام وقت، برای خوب بودن تلاش می کند، خود را مقید می کند تا در میان افراد زیادی نابود شود که اصلاً خوب نیستند.»

اگر چه دیوان خود را در اوج ظرافت تصور می کرد، اما در زیر سطح درخشان آن، احساسات تاریک، حسادت، شهوت و نفرت می جوشید و پخته می شد. دنیای امروز ما نیز چنین است، به طوری که گمان می کند در اوج عدالت قرار دارد، اما در عین حال، مانند همیشه، همان احساسات زشت درون همه موج می زند. در بازی هم همین طور است؛ یعنی باید ظاهراً به زیبایی ها احترام بگذارید، اما در باطن این طور نباشید. در واقع اگر شما احمق نباشید، به سرعت یاد می گیرید که محتاطانه عمل کنید و کاری را انجام دهید که ناپلئون توصیه کرده است: «دست آهنی خود را در یک دستکش مخملی بگذارید. اگر مانند درباریان قدیمی، هنرهای غیرمستقیم و فریب دادن را بیاموزید، اغوا کنید و بر حریفان خود مسلط شوید، به اوج قدرت می رسید. در این صورت شما می توانید بدون این که مردم متوجه شوند، کاری کنید که آن ها مطابق میل شما عمل کنند؛ بنابراین وقتی نفهمند شما چه کار کردید، نه ناراحت می شوند و نه در برابران مقاومت می کنند.

اندیشه ی برخی از افراد در اعمال قدرت خود آگاهشان چنین است که برایشان مهم نیست چقدر غیرمستقیم، شیطانی، غیراجتماعی و یادگاری از گذشته باشند، بلکه آن ها معتقدند که می توانند توانایی شان را با رفتارهایی نشان دهند که هیچ ارتباطی با قدرت ندارد؛ بنابراین شما باید مراقب چنین افرادی باشید؛ زیرا براساس دیدگاه های عمومی که «دیه» بیان می کند، بیشتر این اشخاص جزء ماهرترین بازیگران قدرت اند و استراتژی هایی را به کار می برند که ماهیت اعمال نفوذشان را به طرز ماهرانه ای پنهان می کند؛ برای مثال، بسیاری از این افراد، ضعف و ناتوانی خود را به عنوان حسن نیتشان نشان می دهند؛ اما یک ناتوان حقیقی، هیچ انگیزه ای در منافع شخصی خود ندارد و ضعفش را به جهت جلب دلسوزی و احترام اشخاص آشکار نمی کند. در واقع در بازی قدرت، نشان دادن ضعف یک استراتژی مؤثر، فریبنده و ظریف محسوب می شود (به قانون ۲۲ تاکتیک تسلیم مراجعه کنید).

یکی دیگر از استراتژی های یک شخص فرضی که بازیکن اصلی قدرت هم نیست، چنین است که غیر بازیکن که در هر محدوده ای از زندگی، می خواهد با دیگران برابر باشد. باید بدانید

که جدا از مسئله‌ی موقعیت و قدرت، برای جلوگیری از لکه‌دار شدن قدرت، باید سعی کنید با همه، به صورت یکسان و عادلانه رفتار کنید. در این صورت ممکن است متوجه شوید که برخی افراد، کارها را بهتر از دیگران انجام می‌دهند. در واقع رفتار برابر با همه، یعنی نادیده گرفتن تفاوت آن‌ها، ترفیع دادن به اشخاصی که مهارت کمتری دارند و نیز سرکوب افراد برتر است؛ بنابراین بسیاری از افرادی که این گونه رفتار می‌کنند، یک استراتژی قدرت دیگر را به کار می‌برند و به دنبال آن، پاداش افراد را به نحوه‌ای توزیع می‌کنند که خودشان تصمیم می‌گیرند.

راه دیگری می‌توانید برای اجتناب از بازی قدرت برگزینید، داشتن صداقت و صراحت کامل است؛ زیرا فریبندگی و پنهان کاری، یکی از تکنیک‌های اصلی کسانی است که به دنبال قدرت‌اند. البته اگر میزان این صداقت خیلی زیاد باشد، شما به ناچار، به تعداد زیادی از افراد صدمه می‌زنید و به آن‌ها توهین می‌کنید و در مقابل، این افراد نیز برای جبران، به شما آسیب می‌رسانند. در واقع هیچ کس اظهارات صادقانه‌ی شما را کاملاً واقع‌گرایانه و عاری از انگیزه‌های شخصی نمی‌داند و البته حق هم دارد. در حقیقت، استفاده از صداقت، به کار بردن یک استراتژی قدرتی است که می‌خواهد مردم را متقاعد کند تا شخصیتی شریف، خوش‌قلب و از خود گذشته داشته باشند و به نوعی ترغیب کردن یا حتی مطیع کردن زوری افراد است.

در نتیجه، ممکن است کسانی که مدعی‌اند بازیکن قدرت نیستند، برای متقاعد کردن دیگران، خود را ساده لوح نشان دهند که البته شما در این صورت نیز، باید مراقب باشید؛ زیرا ظاهر ساده لوح می‌تواند وسیله‌ای برای فریبکاری باشد (به قانون ۲۱ مراجعه کنید، احمق‌تر از چیزی که هستید به نظر برسید). در واقع یک ساده لوح حقیقی، همیشه تله‌ای از قدرت را دارد. ممکن است کودکان در بسیاری از جهات ساده لوح باشند، اما در بیشتر مواقع از این ترفند استفاده می‌کنند تا بتوانند برای رفع نیاز اساسی خود، بر دیگران تسلط داشته باشند. کودکان از دیدن ناتوانی در دنیای بزرگسالان، به شدت رنج می‌برند و از هر وسیله‌ای برای رسیدن به هدف خود استفاده می‌کنند. ممکن است افراد کاملاً بی‌گناه، همچنان برای قدرتمند نشان دادن خود تلاش کنند و چون کسی مانع راهشان نمی‌شود، در بیشتر موارد به طرز وحشتناکی در بازی قدرت تأثیرگذارند. در واقع کسانی که خود را بی‌تقصیر نشان می‌دهند، میزان بی‌گناهی‌شان نسبت به دیگران، کمتر است.

این غیر بازیکنان فرضی، از طریق خودنمایی در داشتن خصوصیات اخلاقی، تقوا و عدالت شناخته می‌شوند؛ اما با توجه به این که همه‌ی ما تشنه‌ی قدرتمند و تقریباً تمام اعمالمان در راستای به دست آوردن آن است، این غیر بازیکنان از طریق خاک‌پاشیدن در چشم ما، حواسمان را از قدرتمان پرت می‌کنند تا خود را به عنوان شخصی نشان دهند که ویژگی‌های اخلاقی برتری دارند. اگر آن‌ها را از نزدیک ببینید، متوجه می‌شوید که استعداد زیادی در گول زدن غیرمستقیم اشخاص دارند و حتی ممکن است این کار خود را به صورت ناخودآگاه

انجام دهند. همچنین آن‌ها اصلاً علاقه ندارند دیگران را از تاکتیک‌های مورد استفاده‌ی خود مطلع کنند.

اگر دنیا را همچون یک دادگاه غول‌پیکر و خود را گرفتار در آن بدانیم، در این صورت تلاش‌هایمان برای انصراف از شرکت و بازی کردن در آن ما در آن، فایده ندارد و فقط با این کار، ناتوان و بدبخت می‌شویم؛ بنابراین بهتر است به جای مبارزه با امری اجتناب‌ناپذیر و مشاجره و احساس گناه کردن، برای نیروی برتر بودن در قدرت، بکوشید. در حقیقت، هر چه در برخورد با قدرت بهتر عمل کنید، دوست، معشوق، همسر و فرد مناسب‌تری می‌شوید. اگر یک مسیر درباری بی‌نقص را دنبال کنید (به قانون ۲۴ مراجعه کنید)، به دیگران می‌آموزید تا احساس بهتری نسبت به خودشان داشته باشند و نیز در چشم آن‌ها بسیار خوشایند جلوه می‌کنید.

درواقع آن‌ها بعد از این که به توانایی‌های شما وابسته و به حضورتان متمایل شدند، رشدشان را آغاز خواهند کرد. شما با تسلط بر ۴۸ قانونی که در این کتاب ذکر می‌شود، کاری می‌کنید که دیگران خواص بازی در قدرت را بدانند و بعد در آن وارد شوند. اگر بازی قدرت گریزناپذیر است، بهتر است شما نیز به جای کلاه برداری و انکار کردن، هنرمند باشید. اگر می‌خواهید از طریق مردم به اهدافتان برسید، تنها باید از زورگویی و حيله‌گری استفاده کنید. می‌گویند عشق هم این‌گونه است اما این انتظار برای نورافتاب است و زندگی به هر لحظه نیاز دارد.

برای آموختن بازی قدرت، باید نگاه خاصی به جهان داشته باشید و دیدگاهتان را تغییر دهید، البته این کار، به سال‌ها تلاش و تمرین نیاز دارد؛ زیرا ممکن است بسیاری از بازی‌ها به‌طور طبیعی پیش نیایند. پس لازم است مهارت‌های اولیه‌ی خاصی را در این مسیر کسب کنید و بدانید که وقتی بر این‌ها مسلط شدید، می‌توانید قوانین قدرت را راحت‌تر به کار بگیرید. توانایی مدیریت احساسات، مهم‌ترین مهارت‌ها و نیز اساس قدرت است. اگر به موقعیتی که بزرگ‌ترین مانع قدرت است، پاسخ احساسی بدهید، بیشتر از رضایت موقتی که به دست می‌آورید، ضرر می‌کنید. احساسات، منطق شما را پنهان می‌کنند و باعث می‌شوند نتوانید یک وضعیت را به درستی ببینید؛ بنابراین در چنین وضعیتی، نمی‌توانید برای پاسخ دادن به هر درجه‌ای از کنترل آمادگی داشته باشید.

خشم، مخرب‌ترین واکنش عاطفی است؛ زیرا بیشتر از هر چیز دیگر، زاویه‌ی دید شما را تیره می‌کند، با اثر موجی خود، میزان کنترل کردن موقعیت‌ها را کمتر می‌کند و عزم دشمن شما را افزایش می‌دهد. اگر می‌خواهید دشمنی را نابود کنید که به شما آسیب زده است، باید ابتدا با تظاهر به دوستی، او را دور نگه‌دارید و سپس خشم خود را به او نشان دهید.

با خودم فکر کردم که انسان

با چه قصد و قریبی و نیز

با چه هنر متنوع و ابتکاری،

عقل خود را